

## حسین استاد ولی

### قسمت سوم



در این بخش، به لغزشگاههای ترجمه قرآن کریم، در سوره مبارکه آل عمران می پردازیم.

آیه ۱۸: «شهد الله أنه لا اله الا هو والملائكة واولوا العلم قائماً بالقسط...»

۱. ... هیچ خدایی بر پا دارنده عدل جز او نیست.

۲. خداوند، خودش گواهی داد که نیست خدایی جز او و فرشتگان و خداوندان دانش هم

در حال داد و عدالت، گواهی دادند که ...

در ترجمه شماره ۱ مشاهده می شود که «قائماً بالقسط»، حال یا صفت «اله» دانسته شده

است. این ترکیب، علاوه بر آن که قائلی ندارد، از نظر مفهوم نیز صحیح نیست؛ زیرا مفهوم

مخالف آن این است که خدایی که برپا دارنده عدل نباشد، جز خداوند وجود دارد!

در ترجمه شماره ۲، حال «ملائکه و اولوا العلم» دانسته شده است. این لغزش، از لغزش

نخست، شگفت انگیزتر است. زیرا از نظر لفظی هم مطابقت ندارد؛ چرا که «قائماً» مفرد است

و «ملائکه و اولوا العلم» جمع اند.

وجه صحیح آن است که «قائماً بالقسط» حال از برای «اللّه» و یا حال از برای «هو» است و ترجمه صحیح چنین است:

۱. «خدای یکتا، که همیشه به عدل و داد بود و باشد، گواهی داد که ...»

۲. خدای یکتا گواهی داد که جز او، که همیشه به عدل و داد بوده و هست، خدایی نیست ...»

آیه ۶۲: «انّ هذا لهو القصص الحقّ...»

بی شک این همان سرگذشت‌های راست است ...

این ترجمه، مبنی بر آن است که «القصص» به کسر قاف خوانده شود، در حالی که «القصص» به فتح قاف است، که یا به معنای مصدری است یعنی: «داستان گویی» و یا اسم است به معنای: «قصه و داستان و سرگذشت» از این رو، ترجمه صحیح چنین است:

«همانا این داستان راست و درست [مسیح] است ...»

آیه ۱۲۵: «... یمدّدکم ربکم بخمسة آلاف من الملائكة مسومین..»

لغزشی که در این آیه صورت گرفته درباره لفظ «مسومین» است به کسر واو، که به «نشاندار» ترجمه شده است، در صورتی که «مسومین» با فتح واو به معنای «نشاندار»، یا «فرستاده شده» است. و مسومین به معنای «نشانگذار» است.

امین الاسلام طبرسی در مجمع البیان می نویسد:

«ابوالحسن گفته است: کسانی که مسومین را با کسره خوانده اند از آن روست که فرشتگان، اسبهای خود را نشان زده بودند و کسانی که با فتحه خوانده اند، از آن روست که آنان نشان خورده بودند [دارای عمامه های سفید یا ... بودند] مسومین، یعنی دارای نشانه و علامت = نشاندار. و نیز به معنای «فرستاده شده» و «رها شده» است از «سوم الخیل» یعنی اسبان را رها کرد، تا به چرا پردازند. و [انعام] سائمه نیز به همین معناست. علی بن عیسی گفته است: این که قراءت با کسره را اختیار کرده اند از آن جهت است که اخبار چندی وارد است که آنان اسبان خود را نشان زده بودند. و رسول خدا (ص) [به اهل بدر] فرمود: شما نیز نشان زدید زیرا فرشتگان نشان زده اند.»

چنانکه مشاهده می شود، بنابر قراءت مسومین (با فتحه) ترجمه ها صحیح است، ولی از آن رو که در قراءت مشهور و قرآن فعلی با کسره است، ترجمه مذکور اشتباه و صحیح آن «نشانگذار» است.

آیه ۱۲۸: «... او يتوب عليهم...»

یا ایشان را به توبه وادارد.

یا ایشان را توبه دهد.

یا توبه شان را می پذیرد.

لغزش ترجمه های فوق در این است که فرقی میان «تاب الیه» و «تاب علیه» و «استتابه» و «قبل توبته» نهاده اند. «ایشان را به توبه وادارد» و «ایشان را توبه دهد» ترجمه «یستتیبهم» است. «توبه ایشان را می پذیرد»، ترجمه «یقبل توبتهم» و آن مسبوق به آن است که قبلاً، توبه ای صورت گرفته باشد، که از آن با «تاب الیه» تعبیر می شود.

اما «تاب» اگر با «علی» استعمال شود، به معنای آمرزش و رحمت را از سر گرفتن است (تاب علیه: غفرله و رجع علیه بفضله، فالله تواب) که می تواند مسبوق به توبه از طرف بنده باشد و می تواند نباشد، چنانکه در آیه ۱۱۸ از سوره توبه می فرماید: «ثم تاب عليهم ليتوبوا» که توبه خداوند بر آنان مسبوق به توبه آنان نبوده بلکه ملحق به آن بوده است. بنابراین، ترجمه صحیح این آیه شریفه و نظایر آن چنین است:

«یا بخشش و آمرزش خویش را با ایشان سر می گیرد یا ...»

آیه ۱۳۰: «یا ایها الذین آمنوا لا تأکلوا الربا اضعافاً مضاعفة...»

ای کسانی که ایمان آورده اید ربا مخورید به افزودنهای پی در پی.

... ربای چند برابر افزوده را مخورید.

... ربا مخورید تو در تو.

در ترجمه های فوق، «اضعافاً مضاعفة» به عنوان قید احترازی معنی شده است. یعنی ربایی را که چند برابر افزوده است و یا پی در پی به آن افزوده می گردد، نخورید که مفهوم این قید و وصف آن است که اگر ربایی چنین وصفی را نداشت، خوردن آن مانعی ندارد!

البته، ترجمه های فوق بر اساس یکی از دو قولی که صاحب مجمع نقل می کند درست می نماید و ما نیز بنا داشتیم، لغزشهایی را گوشزد کنیم که در میان مفسران قائلی نداشته باشد، ولی از آن رو، که قول دیگر منقول در مجمع معتبر و با قواعد شرع سازگار است، این را لغزش دانسته و در این جا آورده ایم. به هر حال، قید مذکور قید توضیحی است، نه احترازی. بدین معنی که ربا، معمولاً دارای چنین وصفی است، نه آن که ربا دو قسم باشد: اضعافاً مضاعفة و غیر اضعافاً مضاعفة.

علامه، در المیزان (۱۹/۴) می نویسد:

«ضعافاً مضاعفة، اشاره است به وصفی که به طور غالب، در ربا وجود دارد، زیرا ربا، طبعاً چند برابر می شود و مال رباخوار، با نابود شدن مال دیگری و ضمیمه شدن آن به مال ربوی، چند برابر می گردد.»

آیه ۱۶۴: «...یتلوا علیهم آیاته و...» در این مورد، در مقاله گذشته سخن گفتیم.

آیه ۱۶۶: «...ولیعلم المؤمنین.»

در کمتر ترجمه ای به چشم می خورد که این واو را آورده باشند یا اگر آورده اند «معطوف علیه» آن را ذکر کرده باشند و یا اگر استیناف گرفته اند، جمله مکمل آن را در شرح و توضیح و کروش آورده باشند. در این باره توضیحی کوتاه در نقد خود بر ترجمه آقای بهبودی آورده ایم. (فصلنامه مترجم، ویژه مباحث ترجمه قرآن، ۱۰۲ و ۱۰۳)

آیه ۱۶۸: «الذین قالوا لآخوانهم وقعدوا لو أطاعونا ما قتلوا...»

آنان که نشستند و به برادرانشان [همراهان و هم قبیله هایشان] گفتند: اگر آنان [مؤمنان مجاهد] فرمان ما را برده بودند، کشته نمی شدند...

در این ترجمه، یک اشتباه نحوی سبب شده که مراجع ضمیرها عوض شود و دو طایفه مذکور در آیه (منافقان، مؤمنان شهید) سه طایفه در نظر گرفته شوند (منافقان، همراهان و هم قبیله هایشان، مؤمنان شهید). آن لغزش این است که: لام جارّه در «لاخوانهم»، «لام تبلیغ» گرفته شده است.

مانند: «قلت له»، «اذنت له»، «فسرت له». در صورتی که لام در این جا، به معنای «عن» یا «فی» است چنانکه در آیه ۱۱ از سوره احقاف چنین است:

«وقال الذین کفروا للذین آمنوا لو کان خیراً ما سبقونا الیه»

و کسانی که کافر شدند درباره مؤمنان گفتند: اگر ...

بر این اساس، ترجمه صحیح چنین است:

«آنان که درباره برادران خود (مؤمنان شهید) گفتند ...»

یکی از تفاسیر معتبر پارسی، با این که «اخوانهم» را «مؤمنان شهید» دانسته، با این حال «به برادران خود» ترجمه کرده است. ولی توجه نکرده که چگونه به برادران شهید خود گفتند: اگر آنان!

آیه ۱۷۰ و ۱۷۱: «فرحین بما آتاهم الله من فضله و یستبشرون بالذین لم یلحقوا بهم من خلفهم...»

یستبشرون بنعمة من الله و فضل...»

... و به آنها که در پی شان هستند و هنوز به آنها نپیوسته اند بشارت می دهند که ...

آنان را مژده نعمت و فضل خدا می دهند ...

سخن بر سر «یستبشرون» است که به بشارت دادن ترجمه شده است، در حالی که اولاً بشارت دادن، از باب تفعیل می آید: «بشّرهُ بكذا» و ثانیاً در آیه ۱۷۱: «یستبشرون بنعمة من الله» «به نعمت و فضل خدا بشارت می دهند» معنی ندارد و لذا می بینیم که مترجم محترم در این جا لفظ را برگردانده و آن را به صورت فعل مجهول ترجمه کرده است:

«آنان را مژده نعمت و فضل خدا می دهند»

استبشار به معنای شاد شدن و خوشحال گردیدن است. اما این که شاد شدن شهیدان به سبب آنان که هنوز به مقام شهادت نرسیده و به آنان ملحق نگردیده اند چگونه است؟ مطلبی است که باید از تفاسیر جست.

آیه ۱۸۳: «الذین قالوا ان الله عهد الینا الا نؤمن لرسول حتی...»

کسانی که گفتند: ما را با خدا عهدی است که ...

بی گمان، خدا از ما پیمان گرفت که ...

ملاحظه می شود که ترجمه های فوق، هیچ کدام، صحیح نیست، زیرا ترجمه اول، ترجمه «عاهدنا الله» و یا با اندکی مسامحه «عاهدنا الله» است و ترجمه دوم، ترجمه «اخذ الله عندنا عهداً» یا «اخذ الله میثاقنا» است. «عهد» به معنای «سفارش» و یا «فرمان» خواهد بود. بر این اساس، ترجمه صحیح چنین است:

«کسانی که گفتند: خداوند ما را سفارش نموده که ... یا خداوند ما را فرمان داده که ...»

در این جا لغزشگاههای سوره مبارکه آل عمران به پایان می رسد و در قسمت چهارم موارد سوره مبارکه نساء خواهد آمد.